

دوفصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهرا

سال دهم، شماره ۲، ۱۳۹۲، پیاپی ۲۰

روش ملا محمد تقی مجلسی در شرح روایات در لوامع صاحبقرانی

عبدالهادی فقهی زاده^۱

مرتضی قاسمی حامد^۲

تاریخ دریافت: ۹۰/۴/۴

تاریخ تصویب: ۹۰/۱۰/۱۷

چکیده

محمد تقی مجلسی مشهور به «مجلسی اول» از علمای قرن یازدهم هجری، در شرح کتب حدیثی آثار گران قدری به جای گذاشته است که از جمله آن‌ها روضه المتقین (شرح عربی من لایحضره الفقیه) و لوامع صاحبقرانی (شرح فارسی من لایحضره الفقیه) است. محمد تقی مجلسی در لوامع صاحبقرانی روایت‌ها را در سه محور کلی، بررسی صحت متن روایت، شرح ظاهر روایت‌ها و جمع و حل روایت‌های متعارض کاویده است. او برای احراز صحت متن از روش‌های توجه به نسخه‌های گوناگون، توجه به تقطیع روایت‌ها، توجه به تصحیف و تحریف، توجه به نقل به معنا و عرضه روایت‌ها بر قرآن بهره جسته است و در شرح ظاهر متن به بیان معانی لغوی و اصطلاحی کلمات و عبارات‌ها، به کارگیری قواعد عربیت در شرح و ترجمه روایت‌ها و گردآوری روایت‌های هم‌مضمون پرداخته است. او با

۱. دانشیار دانشگاه تهران feghhizadeh@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه مذاهب اسلامی تهران mor.ghasemihamed@gmail.com

تسلط کامل بر مفاد و مضمون روایت‌ها به سراغ شرح آن‌ها رفته است، و تا حد توان خود، در بیان معانی آن‌ها و جمع دلالتی بین روایت‌های متعارض و کشف روابط بین آن‌ها از جمله عام و خاص، مطلق و مقید، مجمل و مبین، و نص و ظاهر کوشیده است. او همچنین در مواردی معدود در مواجهه با تعارض‌های مستقر میان آن‌ها قائل به ترجیح شده یا در عمل به آن‌ها قول به تخیر را پذیرفته است.

واژه‌های کلیدی: محمدتقی مجلسی، فقه الحدیث و لوامع صاحبقرانی.

۱. مقدمه

محمدتقی مجلسی در لوامع صاحبقرانی شرح فارسی من لا یحضره الفقیه روایت‌ها را در سه مرحله بررسی می‌کند و شرح می‌دهد که از این قرارند: بررسی صحت متن روایت‌ها، شرح ظاهر روایت‌ها، و جمع میان روایت‌ها متعارض بدوی و حل تعارض‌های مستقر روایی. آنچه مهم است اینکه ملاک‌های محمدتقی مجلسی در هر یک از این مراحل مشخص شوند تا در نتیجه آن روش‌های احراز صحت متن روایت‌ها، مراحل شرح ظاهر متن روایت‌ها و راه‌های جمع میان روایت‌ها متعارض بدوی و حل تعارض‌های مستقر روایی آشکار شوند، زیرا استخراج این روش‌ها و راه‌ها می‌تواند الگویی مناسب برای مواجهه با روایت‌ها معرفی کند. بر این مبنا در تحقیق حاضر برآنیم با تأمل در توضیحات مجلسی اول ذیل روایت‌های من لا یحضره الفقیه این ملاک‌ها را بررسی کنیم.

در مبانی او در حدیث و رجال مقاله‌ای با عنوان «نگاهی به مبانی مجلسی اول در حدیث و رجال» به قلم محمدرضا جدیدی‌نژاد و درباره مبانی فقه‌الحدیثی او در روضه المتقین مقاله‌ای با عنوان «تلاش‌های مجلسی اول در فهم متن» به دست عبدالهادی مسعودی نوشته شده است، اما در زمینه روش‌های فقه‌الحدیثی او در لوامع صاحبقرانی تا کنون مقاله‌ای تحریر نشده است. با وجود اینکه ممکن است بین دو کتاب روضه المتقین و لوامع صاحبقرانی شباهت‌هایی وجود داشته باشد،

به علت عدم گستردگی مقاله عبدالهادی مسعودی که تنها مبانی فقه الحدیثی را پوشش داده است، ضرورت پرداختن به روش‌های فقه الحدیثی او در *لوامع صاحبقرانی*، به شکلی گسترده، کاملاً روشن می‌شود. هدف نویسنده با توجه به ضرورت فوق، بررسی روش‌های فقه الحدیثی مجلسی اول در *لوامع صاحبقرانی* است.

۲. ملا محمدتقی مجلسی و *لوامع صاحبقرانی*

ملا محمدتقی بن مقصود علی (مدرس تبریزی، ۱۳۷۴ ش: ۵ / ۱۹۸) مجلسی اصفهانی (زرکلی، ۱۹۹۹م: ۶ / ۶۲) مشهور به مجلسی اول (مجلسی، ۱۴۱۴ق: ۱ / الف) از علمای بزرگ و دانشمندان طراز اول شیعه در اواسط عصر صفوی (دوانی، ۱۳۷۵ش: ۸ / ۲۸) و معاصر ملاصدرا (تنکابنی، ۱۳۸۰ش: ۲۲۴) است که در سال ۱۰۰۳ یا ۱۰۰۴ق در اصفهان به دنیا آمد (تهامی، ۱۳۸۵ ش: ۲ / ۱۸۲۹). نسب او از طرف پدر به حافظ ابونعیم اصفهانی و از جانب مادر به محمدبن حسن نطنزی می‌رسد (حاج سیدجواد، ۱۳۸۰ش: ۵ / ۱۲۹). از آنجا که تخلص شعری پدرش «مجلسی» بوده است، خاندان او به مجلسی معروف شده‌اند (نک. همان: ۵ / ۱۲۹).

محمدتقی مجلسی در محضر شیخ بهاء‌الدین محمد عاملی معروف به شیخ بهایی، ملاعبدالله شوشتری، ملاحسنعلی شوشتری و میرشرف‌الدین علی شولستانی نجفی شاگردی کرد (دوانی، ۱۳۷۵ش: ۸ / ۲۸ و ۲۹). بعد از تحصیلات، مدتی در نجف اشرف به ریاضت مشغول شد و به تبعیت از طریقه استاد خود ملاعبدالله شوشتری پرداخت و در این راه به اندازه‌ای سعی کرد که به تصوف متهم شد (همان: ۳۶). وقتی فرزندش، محمدباقر مجلسی، به عرصه آمد، اتهامات وارده بر پدر را رد کرد و گفت که او در ابتدا با این هدف به سلک صوفیه درآمد تا آنان را به راه آورد و شرشان را دفع کند؛ ولی چون شقاوت آنان را دید، باطن خود را ابراز کرد (تنکابنی، ۱۳۸۰ش: ۲۲۷؛ مدرس تبریزی، ۱۳۷۴ش: ۵ / ۱۹۸-۲۰۰).

محمدتقی مجلسی در زمینه‌های گوناگون، مانند فقه، حدیث، رجال و تفسیر تبحر داشت (حاج سیدجواد، ۱۳۸۰ش: ۵ / ۱۲۹). وی نخستین عالمی بود که بعد از میرداماد و شیخ بهایی امامت جمعه دارالحکومه صفویان به وی تفویض شد (دوانی، ۱۳۷۵ش: ۸ / ۳۸). با کوشش‌های او

اخبار ائمه اطهار (ع) نشر یافت (همان: ۳۲). او در تمام مدت زندگی خود در اصفهان سکونت داشت (همان: ۳۶). وی سرانجام در سال ۱۰۷۰ق وفات یافت (تهامی، ۱۳۸۵ ش: ۲/ ۱۸۲۹) و جنب مسجد جامع عقیق آن شهر مدفون شد (حاج سیدجوادی، ۱۳۸۰ش: ۵/ ۱۲۹؛ مدرس تبریزی ۱۳۷۴ش: ۵/ ۲۰۱؛ تفضلی و فضائلی، ۱۳۷۲ش: ۴۷۸ و ۴۷۹).

محمد تقی مجلسی در ابتدای مقدمه لوامع صاحبقرانی شرح واقعه مشرف شدن خود را نزد پنج تن آل عبا و امام سجاد (ع) نقل، و تصریح کرده است که به برکت آنان بیماری اش شفا یافته است. او در این مقدمه به ذکر دوازده فایده در فضیلت علم و علم آموزی، اصطلاحات حدیث و راه‌های جمع اخبار پرداخته است (نک. مجلسی، ۱۴۱۴ق: ۱/ ۳-۱۲۶).

محمد تقی مجلسی بعد از این مقدمه طولانی به سراغ دیباچه کتاب رفته و آن را به چند بخش تقسیم کرده و سپس به شرح هر بخش پرداخته است. او در هر بخش لغات مشکل را معنی و احادیث و آیات مرتبط را ذکر می‌کند. افزون بر این، در بخش‌های پایانی، که شیخ صدوق به برخی از کتاب‌ها اشاره کرده است، هر یک از آنها و نویسندگان آنها را به طور مختصر معرفی می‌کند (همان: ۱/ ۱۲۷-۱۹۵). او بعد از شرح دیباچه، به شرح احادیث پرداخته و هم سند و هم متن احادیث را بررسی کرده است. مهم‌ترین ویژگی‌های لوامع صاحبقرانی در شرح روایت‌ها از این قرارند:

۱. ذکر معنای «عنوان باب» و مسئله فقهی مرتبط با آن: برای نمونه، در ابتدای «باب المیاه» می‌گوید: «و میاه جمع ماء است، یعنی این بابی است در بیان اقسام آب‌ها و احکام آن ...» (همان: ۱/ ۱۹۷).

۲. شرح لغات مشکل موجود در آیات و روایت‌ها: برای نمونه، بعد از ذکر آیه «... وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا» (فرقان: ۴۸)، «یعنی ... و از آسمان آبی پاک‌کننده نازل کردیم»، می‌گوید: «و طهور در لغت عرب به معنی ما یتطهر به آمده است، یعنی چیزی که به آن پاک کنند کثافت و نجاست را...» (مجلسی، ۱۴۱۴ق: ۱/ ۱۹۸).

۳. تکمیل کار صدوق در ذکر آیات آغاز هر باب: مجلسی اول در این زمینه می‌گوید: «بدان که صدوق -رحمه الله- در خاطر داشته که در هر مطلبی آیاتی را که نازل شده است، ذکر کند، و بعد

از آن اخبار را نقل کند، بعد از این، از این معنی برگشته است... و ان شاء الله این حقیر ذکر خواهد کرد در هر بابی آنچه از آیات وارد شده است» (همان: ۱ / ۲۰۰).

۴. بیان شأن نزول برخی آیات: مجلسی اول بعد از ذکر آیه «... وَيُنزَلُ عَلَيْكُم مِّنَ السَّمَاءِ مَاءٌ يُطَهِّرُكُم بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُم رِجْسَ الشَّيْطَانِ...» (انفال: ۱۱)؛ «یعنی... و آبی از آسمان برایتان فرستاد تا شما را با آن پاک کند و پلیدی شیطان را از شما دور سازد...»، می گوید:

و در تفاسیر و احادیث از ائمه معصومین وارد شده است که این آیه وقتی آمد که در بدر بودند و اصحاب آن حضرت -صلی الله علیه و آله- به واسطه کثرت عدد دشمنان، و قلت ایشان غمگین به خواب رفتند، و اکثر به تخیل شیطان محتلم شدند و قریش بر سر آب فرود آمده بودند، و مسلمانان آب نداشتند که غسل کنند، حق -سبحانه و تعالی- به دعای حضرت بارانی فرستاد و کوهها پر از آب شد، و همگی محتلمان غسل کردند و ازاله نجاست منی کردند (مجلسی، ۱۴۱۴ق: ۱ / ۱۹۹).

۵. توضیح عبارت‌ها و مراد شیخ صدوق از ذکر آیات و روایت‌ها: محمدتقی مجلسی در جایی می گوید: «... و ظاهراً مراد صدوق از مطهریت چاه معنی اول است؛ چنان که خود در /مالی تصریح به آن کرده است» (همان: ۲۰۱).

۶. ذکر روایت‌های هم‌مضمون به منزله شاهد در توضیح آیات و روایات: همو برای نمونه بعد از ذکر روایت «و قال الصادق جعفر بن محمد صلوات الله علیهما کل ماء طاهر الا ما علمت أنه قدر»، «یعنی حضرت فرمودند که هر آبی پاک است تا ندانی که نجس شده است یا نجس است» می گوید:

و محمدبن یعقوب کلینی، و شیخ طوسی به عنوان صحیح و قوی همین مضمون را روایت کرده‌اند از آن حضرت صلوات الله علیهما به این عبارت که: «الماء کله طاهر حتی یعلم أنه قدر» و شیخ به عنوان موثق از آن روایت کرده است: «کل شیء نظیف حتی تعلم أنه قدر» و همه یک مضمون است و دلالت می کند بر آنکه اگر به آبی رسیم و ندانیم که بول است یا آب، پاک است یا نجس حکم به پاکی آن می کنیم هر چند ظن نجاست نیز باشد... (همان: ۲۰۱ و ۲۰۲).

مجلسی اول در بعضی موارد به کمک روایت‌های هم‌مضمون به تکمیل روایت می‌پردازد و قسمت تقطیع شده را به آن می‌افزاید. برای نمونه، بعد از ذکر روایتی می‌گوید: «و شیخان [شیخ صدوق و شیخ طوسی] این تمه را نیز روایت کرده‌اند که علی بن جعفر گفت...» (همان: ۱ / ۲۴۲ و ۲۴۳).

۷. بررسی اسناد روایت‌ها: او برای نمونه بعد از ذکر حدیث «قال امیرالمؤمنین صلوات الله علیه افتتاح الصلوة الوضوء و تحریمها التکبیر و تحلیلها التسلیم»؛ «یعنی فرمودند که افتتاح نماز وضو است و تحریم آن تکبیر است و چون سلام واقع شد حلال می‌شود» می‌گوید:^۱

و این حدیث را عامه و خاصه از حضرت امیرالمؤمنین -صلوات الله علیه- روایت کرده‌اند و همگی تلقی به قبول کرده‌اند اگرچه در کتب عامه مرسل است، و در کتب خاصه نیز مرسل است الا در کافی که مسند است، اما به اصطلاح متأخرین ضعیف است (همان: ۱ / ۳۵۲).

۸. ذکر اظهارنظرهای علما درباره مسئله فقهی مطرح‌شده در حدیث و نقد و بررسی آن‌ها: محمد تقی مجلسی برای نمونه در جایی می‌گوید:

... بعضی از علما گفته‌اند که اگر شیشه گلابی نجس شده باشد، همین که به کر فروبرند پاک می‌شود، چون آب مطهر همه چیز هست، ولیکن خلاف احتیاط است ... و بعضی می‌گویند که تا گلاب آب نشود، پاک نمی‌شود پس نجس باشد، احوط اجتناب است. و آبی که از فواره به حوض نجس آید از کر، اگرچه سطح مساوی نباشد حوض پاک می‌شود و بعضی بر عکس نیز قائل شده‌اند که اگر حوض پایین پاک باشد، و حوض بالا نجس، بالا پاک می‌شود، اما خلاف مشهور و خلاف احتیاط است والله تعالی یعلم (همان: ۱ / ۲۰۳ و ۲۰۴).

۹. مقابله نسخه‌های متعدد؛ اعم از نسخه‌های همان کتاب و سایر کتبی که آن حدیث را نقل کرده‌اند: او برای نمونه در جایی بعد از ذکر حدیث «... و صلی معهم و لیعد اذا انصرف»؛ «یعنی ... و با ایشان نماز کند و چون فارغ شود اعاده کند» می‌گوید: «... و در بسیاری از نسخ «وَلَمْ یُعِد» است که اعاده در کار نیست» (همان: ۱ / ۷۰۱).

۱. برای آگاهی از مبانی محمد تقی مجلسی در حدیث و رجال، نک. جدیدی نژاد، ۱۳۸۲ش: ۱۱۷-۱۳۳.

۱۰. عرضه روایت‌ها بر قرآن: مجلسی اول برای نمونه بعد از ذکر روایتی می‌گوید: «و این حدیث به حسب ظاهر مخالف ظاهر آیه است که حق سبحانه و تعالی فرموده است...» (همان: ۱ / ۶۶۴ و ۶۶۵).

۳. روش‌های فقه‌الحدیثی ملا محمد تقی مجلسی در لوامع صاحبقرانی

محمد تقی مجلسی در لوامع صاحبقرانی علاوه بر بررسی کلی اسناد روایت‌ها، به بررسی و شرح متن روایت‌ها نیز می‌پردازد. او در بررسی متن ابتدا صحت متن روایت را احراز می‌کند و سپس آن را شرح می‌دهد و در مواجهه با انواع تعارض‌ها، راه‌های جمع میان روایت‌ها متعارض بدوی و حل تعارض‌های مستقر روایی را می‌نمایاند. ما در ادامه، ذیل سه عنوان جداگانه درباره روش‌های فقه‌الحدیثی محمد تقی مجلسی در لوامع صاحبقرانی سخن می‌گوییم.

الف. بررسی صحت متن

نخستین مرحله پیش از ورود به عرضه فقه‌الحدیث و فهم متن، احراز صحت متن منقول روایت است. از این رو، محمد تقی مجلسی نخست به بررسی صحت متن روایت‌های مورد بحث می‌پردازد، و در مرحله بعد، آن‌ها را شرح می‌دهد. او برای احراز صحت متن روایت از روش‌های فرعی زیر بهره می‌جوید.

۱. توجه به نسخه‌های گوناگون

دستیابی به نسخه‌های متعدد و دسترسی به گزارش‌های متفاوت راویان و کتاب‌های حدیث، یکی از بهترین راه‌های احراز صحت متن و اطمینان نسبی از سخن ابراز شده از سوی امام معصوم (ع) است (معودی، ۱۳۸۳ ش: ۳۱ و ۳۲). نسخه‌های متعدد احادیث به دو گونه متفاوت به دست می‌آیند:

۱. نسخه مؤلف و نوشته‌های دیگر او و سایر کاتبان و نسخه‌برداران، اعم از آنکه با مؤلف همعصر باشند یا خیر؛ ۲. کتاب‌های دیگری که همان حدیث را از طریق دیگری نقل کرده‌اند، چه این

کتاب‌ها منبع کتاب اصلی باشند یا نباشند (همو، ۱۳۸۶ش: ۶۲). محمدتقی مجلسی به هر دو مورد توجه داشته است. او به گونه‌ای به این کار پرداخته است که گویا تمام نسخه‌های یک روایت را دیده است. با توجه به روش محمدتقی مجلسی فهمیده می‌شود که برای ورود به شرح روایت، نخست باید تمامی نسخه‌های آن روایت را جمع و آن‌ها را با یکدیگر مقابله کرد؛ برای نمونه، بعد از ذکر عبارت «و لا بأس بالوضوء و الغسل من الجنابة و الاستیاب بماء الورد»، «یعنی باکی نیست وضو ساختن، و غسل جنابت کردن، و مسواک کردن با گلاب» می‌گوید:

و در بعضی نسخ لفظ «منه» است بعد از «بالوضوء»، و بنا بر این نسخه، معنا این می‌شود که باکی نیست وضو و غسل کردن از آب قلتین و همچنین باکی نیست مسواک کردن به گلاب به آنکه مسواک را در گلاب اندازند، و مسواک کنند تا دهان خوشبو شود. و ظاهراً نسخ زیاد کرده باشند تا مذهب صدوق موافق مذهب مشهور شود... (مجلسی، ۱۴۱۴ق: ۱/ ۲۰۹).

همچنین بعد از ذکر حدیث «و قال الصادق صلوات الله علیه اربع من سنن المرسلین التعطر، و السواک، و النساء، و الحناء»، «یعنی آن حضرت صلوات الله علیه فرمودند که چهار چیز از سنت‌های پیغمبران است، اول تعطر است، یعنی بوی خوش کردن، و مسواک کردن، و همچنین زنان در باب نکاح و حنا در باب حمام» می‌گوید: «و در نسخ احادیث صدوق و کلینی العطر است به کسر عین یعنی بوی خوش» (همان: ۱/ ۴۵۲ و ۴۵۳).

چنان‌که بعد از ذکر حدیث «و کان صلوات الله علیه یقول بین العشائین...»، «یعنی آن حضرت صلوات الله علیه می‌فرمودند در میان نماز شام و نماز خفتن...» نیز می‌گوید: «و در کافی و تهذیب بعد العشائین است و ظاهراً نسخ تبدیل کرده‌اند بعد را به بین؛ چون به ترتیب مذکور از کافی برداشته است» (همان: ج ۴/ ۱۵۳. برای اطلاع از نمونه‌های دیگر، نک. همان: ۱/ ۲۲۱، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۹۳، ۳۲۰، ۴۵۳ و ۵۶۵).

۲. توجه به تقطیع روایت‌ها

تقطیع حدیث، یعنی تفریق حدیث به ابوابی که متعلق به آن است برای احتجاج مناسب (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ۳۱۹). تقطیع حدیث ممکن است به حذف قرینه‌های سیاقی بینجامد. در عین حال، برخی تقطیع‌ها هنرمندانه و با دقت صورت می‌پذیرد و جمله همان معنای پیش از تقطیع خود را

حفظ می‌کند، اما تعداد تقطیع‌های منجرشونده به ناهفمی یا بدفهمی کم نیستند (مسعودی، ۱۳۸۳ش: ۳۵)؛ به ویژه آنکه گاه تقطیع به قصد تحریف و فریبکاری صورت می‌پذیرد (نک. معارف، ۱۳۸۸ش: ۱۲۰-۱۳۶). بر اساس این، محمدتقی مجلسی در *لوامع صاحبقرانی* به جنبه‌های گوناگون تقطیع احادیث توجه داشته است. روش او به این شکل است که با کمک روایت‌های دیگر روایت مورد نظر را کامل می‌کند تا برای شرح آماده شود.

برای نمونه، بعد از ذکر عبارت «فان رعف رجل فامتخط فصار ذلک الدم قطراً صغاراً فاصاب اناه و لم یستبن ذلک فی الماء فلا بأس بالوضوء منه و ان کان شیء بین فیه لم یجز الوضوء منه»، «یعنی پس اگر شخصی خون از بینی او بیاید، پس بتکاند آن را، پس آن خون قطره‌ها خرد شود و به ظرف برسد و در آب چیزی ظاهر نباشد، باکی نیست وضو ساختن از آن و اگر چیزی ظاهر باشد، جایز نیست وضو کردن از آن» می‌گوید:

و شیخان این تتمه را نیز روایت کرده‌اند که علی بن جعفر گفت که و نیز از آن حضرت سؤال کردم که هرگاه شخصی در اثنای وضو خون در دماغش سرکند و یک قطره در آن ظرف ریزد آیا صحیح است وضو ساختن از آن آب؟ حضرت فرمودند که نه و صدوق تغییر داده است عبارت حدیث را به تغییری که ضرر ندارد ... و محتمل است که مراد سائل این باشد که چون به ظرف رسیده است ظاهراًش آن است که به آب رسیده باشد آیا عمل به ظاهر کنیم یا چون اصل، عدم رسیدن است به آب، عمل به اصل کنیم؟ حضرت فرمودند که پاک است و عمل به اصل طهارت و عدم وصول نجاست کنید، بلکه می‌توان گفت که این معنی اظهر است به قرینه تتمه (مجلسی، ۱۴۱۴ق: ۱/۲۴۲ و ۲۴۳).

همچنین بعد از ذکر روایتی می‌گوید: «و همین روایت را در علل ذکر کرده است و به این عنوان است که قال الصادق صلوات الله علیه قال رسول الله علیه و آله و به جای آنها لانهما بود و سهواً تتمه را ذکر نکرده است یا از نساخ افتاده است...» (مجلسی، ۱۴۱۴ق: ۱/۴۵۶).

همو در جای دیگر بعد از نقل روایتی بیان می‌دارد: «و این حدیث را کلینی به دو سند قوی روایت کرده است... و بعد از آن آنچه صدوق ذکر کرده، نقل کرده است و صدوق مقدمه خبر را ذکر نکرده است» (همان: ۱/۴۴۲ و ۴۴۳).

۳. توجه به تصحیف و تحریف

«مُصَحَّف» حدیثی را گویند که قسمتی از سند یا متن آن به کلمه یا عبارت مشابه آن تغییر یافته باشد (نک. عاملی، ۱۳۹۸ق: ۵؛ استرآبادی، ۱۳۷۸ش: ۴۵۶؛ مامقانی، ۱۴۱۱ق: ۱ / ۲۳۷؛ مدیرشانه‌چی، ۱۳۸۵ش: ۹۳-۹۶). «مُحَرَّف» حدیثی است که در سند یا متن آن، کم یا زیاد شده یا حرفی به جای حرف دیگر به کار رفته باشد (نک. استرآبادی، ۱۳۷۸ش: ۴۵۶؛ مامقانی، ۱۴۱۱ق: ۱ / ۲۴۳؛ میرداماد، ۱۴۰۵ق: ۱۳۲؛ مدیرشانه‌چی، ۱۳۸۵ش: ۹۳-۹۶). پیشینیان فرقی بین «مُصَحَّف» و «مُحَرَّف» قائل نمی‌شدند، اما متأخران تمایل دارند که بین مصحَّف و محرَّف فرق بگذارند؛ هر چند این فرق در شکل و لفظ باشد. بر همین اساس، ابن حجر معتقد است که مصحَّف حدیثی است که یکی از الفاظ آن از نظر شکل نگارش صحیح باشد، اما از نظر نقطه‌گذاری و اعراب تغییر کرده باشد؛ حال آنکه این اختلاف در محرَّف از نظر شکل کلمه است (نک. صبحی صالح، ۱۳۶۳ش: ۲۷۲ و ۲۷۳).

محمدتقی مجلسی احتمال وجود تصحیف و تحریف را در روایت‌ها به طور کامل بررسی کرده است که سومین گام او در بررسی صحت متن روایت است. با توجه به روش کار محمدتقی مجلسی می‌توان به تبحر او در این زمینه پی برد، به طوری که کوچک‌ترین احتمال وجود تصحیف و تحریف را از نظر دور نداشته است، بنابراین بدون تسلط داشتن بر روایت‌ها نمی‌توان به این مسئله پرداخت؛ برای نمونه، بعد از ذکر عبارت «اللهم خرنا الیک حین...»، «یعنی خداوندا به درگاه تو آمده‌ایم در وقتی که...» می‌گوید: «... و بنا بر نسخه، یعنی فرشتگان را بفرمایی که ثبت نمایند مرحومیت ما را به آمدن باران و ظاهراً تصحیف نساخ است» (مجلسی، ۱۴۱۷ق: ۵ / ۳۲۱). یعنی بنا بر نسخه‌ای که در دست او بوده، این گونه بیان شده است که طبق نظر او در آن تصحیف صورت گرفته است، چون با روایت‌های دیگر همخوانی ندارد.

همچنین بعد از ذکر حدیث «و سأله صلوات الله علیه رفاعه عن الرجل... قال لا بأس به أن یصلی ثم یسعی»، «یعنی رفاعه گوید که سؤال کردم از حضرت صلوات الله علیه از شخصی که... فرمودند باکی نیست بر او که نماز را به جای آورد سپس سعی کند» می‌گوید: «... و کلینی همین

حدیث را ذکر کرده است در صحاح و در آخرش چنین «لا بل یصلی ثم یسعی» و بنابراین احتیاج نیست به تأویل و ظاهراً تصحیف شده است از قلم نساخ» (مجلسی، ۱۴۱۹ق: ۸/۳۴). یعنی در روایت اول مختار است و می‌تواند نخست نماز را به جای آورد و سپس سعی کند، اما در روایت دوم او ملزم به این است که اول نماز را به جای آورد و سپس سعی کند، بنابراین طبق نظر او تصحیف صورت گرفته است.

محمدتقی مجلسی در جداسازی کلام معصوم از کلام راوی نیز دقت کرده است؛ زیرا گاه به منظور تصحیف و تحریف و فریبکاری کلام معصوم را با کلام راوی مخلوط می‌کنند که گاه به گونه‌ای است که نمی‌توان آن‌ها را از هم تشخیص داد و از این رو به بدفهمی روایت منجر می‌شود و ممکن است مطلبی غیر از آنچه امام فرموده‌اند، فهمیده شود؛ مثلاً بعد از ذکر حدیث «و قال الصادق صلوات الله علیه إذا كان الماء قدر قلتین لم ینجسه شیء و القلتان جرتان»، «یعنی حضرت صلوات الله علیه فرمودند که هر گاه آب به قدر دو قله باشد، چیزی آن را نجس نمی‌کند و قله سبو است» می‌گوید: «یعنی حضرت صلوات الله علیه فرمودند که هر گاه آب به قدر دو قله باشد، چیزی او را نجس نمی‌کند و قله سبو است، و ظاهراً تفسیر از راوی باشد، و ممکن است که از حضرت باشد...» (مجلسی، ۱۴۱۴ق: ۱/۲۰۷).

۴. توجه به نقل به معنا

نقل به معنا، یعنی نقل محتوای یک خبر بدون جمود بر الفاظ، که اگر راوی به مقاصد الفاظ عالم باشد، نقل به معنی برای او جایز است و اگر عالم نباشد، جایز نیست (نک. شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ۳۱۰ و ۳۱۱؛ برای اطلاعات بیشتر، نک. جدیدی نژاد، ۱۳۸۰ش: ۷۰ و ۷۱). نتیجه منطقی اکتفا به آن، عدم امکان استدلال به همه موارد جزئی الفاظ و هیئات حدیث است (مسعودی، ۱۳۸۶ش: ۱۵۳). با توجه به این نکته می‌توان به ضرورت بررسی نقل به معنا در حدیث از سوی محدثان پی برد.

محمد تقی مجلسی در مواجهه با روایت‌ها به این مسئله توجه کرده است و ضمن بیان مشابهت لغت‌های مختلفی که در طرق مختلف یک روایت به کار رفته است، به نقد و بررسی آن‌ها می‌پردازد و یکی از آن واژه‌ها را به منزله لفظ اصلی برمی‌گزیند؛ برای نمونه، بعد از ذکر عبارت «و من استقبل القبلة فی بول او غائط ثم ذکر فتحرف عنها اجلالاً و فی یب و تعظیماً لها لم یقم من موضعه حتی یغفر الله له»، «یعنی هر که برابر قبله بول کند، سهواً و به خاطرش رسد که رو به قبله است و بگردد از جهت تعظیم و اجلال قبله، از آنجا برنخیزد تا حق سبحانه و تعالی او را بیامرزد» می‌گوید:

و ترجمه‌اش را ذکر کرده‌ایم قبل از متن و همین عبارت حضرت است به اندک تغییری که لفظ او غایب شده است و لفظ و تعظیماً لها ساقط شده است و دور نیست که نقل به معنی کرده باشد یا حدیثی دیگر باشد یا نساخ زیاده و کم کرده باشند والله تعالی یعلم (مجلسی، ۱۴۱۴ق: ۱/۳۰۳).

همو در جای دیگر بعد از ذکر روایتی می‌گوید: «و روایت سابق را از حضرت همین روایت کرده است... و تغییراتی که صدوق داده است در آن روایت و در این روایت همه مضمراً است، بنابراین است که نقل حدیث به همان لفظ بهتر است...» (مجلسی، ۱۴۱۴ق: ۱/۲۳۸ و ۲۳۹؛ برای اطلاع از نمونه‌های دیگر، نک. همان: ۱/۲۴۳، ۲۷۰، ۳۰۱ و ۳۱۱).

۵. عرضه روایت‌ها بر قرآن

قرآن معیار شناخت حق و باطل است و ائمه اطهار (ع) بر مسئله عرضه روایت‌هایشان بر قرآن کریم تأکید کرده‌اند. از این رو، یکی از راه‌هایی که محمدتقی مجلسی در احراز صحت حدیث در پیش می‌گیرد، عرضه روایت‌ها بر قرآن است. این روش می‌تواند یکی از راه‌های حل تعارض اخبار نیز به شمار رود؛ اما عملاً کاربرد آن محدود است، زیرا قرآن در بسیاری موارد تنها کلیت یک حدیث را تصدیق یا تکذیب کرده و درباره قضاوت درباره جزئیات حدیث ساکت است (معارف، ۱۳۸۸ش: ۹۱ و ۹۲). روش محمدتقی مجلسی به این شکل است که اگر آیه‌ای در ارتباط با روایت موجود باشد، آن را ذکر می‌کند و سپس روایت را بر آن عرضه می‌کند، گاه نیز به کمک همان آیه مراد متن روایت را حاصل می‌کند و به این وسیله صحت متن را احراز می‌کند.

مجلسی برای نمونه بعد از ذکر حدیث «و قال امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فی امرأه اذعت آن‌ها حاضت فی شهر واحد ثلاث حیض أنه تسأل نسوة من بطانتها هل كان حیضها فیما مضی علی ما اذعت؟ فإن شهدن صدقت و إلا فهی كاذبة»، «یعنی حضرت صلوات‌الله علیه فرمودند که هر گاه زنی ادعا کند که در یک ماه سه حیض دیده‌ام و عده‌ام سر آمده است، از زنانی که با آن زن معاشرت باطنی دارند سؤال می‌کنند که آیا پیش از این هم چنین می‌آمده است حیض او که در یک ماه سه حیض دیده باشد، اگر زنان شهادت بدهند تصدیق او می‌کنند و اگر نه دروغ می‌گوید» می‌گوید: «و این حدیث به حسب ظاهر مخالف ظاهر آیه است که حق سبحانه و تعالی فرموده است: «... وَ لَآ یَجِلُّ لَهُنَّ أَنْ یَكْتُبْنَ مَا خَلَقَ اللّهُ فِی أَرْحَامِهِنَّ...» (بقره: ۲۲۸): یعنی کتمان نکنند زنان چیزی را که حق سبحانه و تعالی در رحم‌های ایشان آفریده است و اگر سخن ایشان مسموع نباشد، نهی از کتمان به حسب ظاهر بی‌فایده است» (مجلسی ۱۴۱۴ق: ۱/ ۶۶۴ و ۶۶۵).

همچنین در جای دیگر، بعد از ذکر عبارت «قال ثم غسل وجهه فقال اللهم بیض وجهی یوم تسود فیهِ الوجوه و لا تسود وجهی ثم تبيض فیهِ الوجوه»، «یعنی پس روی خود را شستند و خواندند که خداوند سفید کن روی مرا در آن روزی که روها سیاه خواهد شد، و سیاه مکن روی مرا در آن روزی که روی‌ها سفید خواهند بود»، می‌گوید: «و این اشاره است به قول الهی جل

شأنه: "يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌُ وَ تَسْوَدُّ وُجُوهٌُ"؛ «یعنی (آن عذاب عظیم) روزی خواهد بود که چهره‌هایی سفید، و چهره‌هایی سیاه می‌گردد» (همان: ۱ / ۴۰۱ و ۴۰۲؛ برای اطلاع از نمونه‌های دیگر، نک. همان: ۱ / ۳۲۷، ۳۸۳، ۳۸۴، ۴۰۱-۴۰۵).

ب. شرح ظاهر متن

محمد تقی مجلسی بعد از احراز صحت متن به سراغ شرح الفاظ و عبارات ظاهر متن می‌رود؛ اگر در متن لغات مشکل وجود داشته باشد، ابتدا به تفسیر آن‌ها می‌پردازد و معانی لغوی و اصطلاحی آن‌ها را بیان می‌کند؛ سپس بر اساس قواعد عربیت به شرح عبارت‌ها و بیان معانی آن‌ها می‌پردازد و سرانجام به کمک روایت‌های هم‌مضمون روایت‌ها را شرح می‌کند، چنان‌که اگر روایتی به صورت مجمل بیان شده باشد، با استناد به روایت‌های هم‌مضمون و روایت‌های مشابه دیگر، مراد اصلی و معانی دقیق روایت مورد نظر را تبیین می‌کند.

۱. بیان معانی لغوی و اصطلاحی کلمات و عبارت‌ها

با توجه به فاصله زمانی موجود میان ما و عصر معصومان (ع) و تطور معانی واژگان در گذر زمان، بیان و توضیح معانی کلمات دشوار به کاررفته در روایت‌ها الزامی است؛ زیرا بسا کلمه‌هایی که در زمان امامان (ع) در معنایی به کار رفته‌اند که در زمان حاضر از آن معانی تهی شده‌اند و حتی معانی معارض با معنای اول یافته‌اند. مجلسی به این مسئله کاملاً توجه داشته است. هر چند موارد آن در کتاب نادر است. درباره اصطلاحات و ترکیب‌های اصطلاحی نیز باید گفت که دشواری فهم آن‌ها دو علت دارد:

۱. این اصطلاحات وضع تعینی دارند، نه تعینی؛ یعنی به مرور زمان در معنای خاصی به کار رفته‌اند، نه یکباره. بنابراین، ممکن است که در کتب لغت ثبت نشده باشند؛ ۲. ارتباط معنای ترکیب اصطلاحی با الفاظ آن ارتباطی شفاف و واضح نیست (نک. مسعودی، ۱۳۸۳ ش: ۴۱). مجلسی به این جنبه نیز توجه نشان داده است. روش او به این شکل است که یا به طور ابتدایی لغات و اصطلاحات را بیان می‌کند و یا به کمک آیات و روایت‌های دیگر به این کار می‌پردازد.

او لغات را ضمن ترجمه روایت‌ها شرح می‌کند؛ برای نمونه، اندکی بعد از ذکر حدیث «و قال رسول الله صلعم کل شیء یجتر فسوره حلال و لعابه حلال»، «یعنی حضرت فرمودند که هر حیوانی که نشخوار کند و برگرداند آنچه را خورده است، پس بازمانده او حلال است، و آب دهانش اگر داخل آب شده باشد حلال است»، می‌گوید: «و مراد از سؤر بازمانده حیوان است...» (مجلسی، ۱۴۱۴ق: ۱/ ۲۱۹).

همچنین بعد از ذکر حدیث «و قال زرارة قلت له دخلها و هو متیمم فصلی رکعة ثم احدث فاصاب ماء قال یخرج فیتوضأ ثم یبني علی ما مضی من صلوته التی صلی بالتیمم»، «یعنی زراره گوید که به حضرت صلوات‌الله‌علیه‌عرض کردم که هرگاه شخصی با تیمم یک رکعت نماز بگذارد و حدثی صادر شود و آب به هم رسد، حضرت فرمودند که وضو می‌سازد و بنا می‌نهد بر آن رکعتی که با تیمم کرده است و بقیه را با وضو تمام می‌کند»، می‌گوید: «... و جمعی حمل کرده‌اند حدث را به آنکه نسیاناً واقع شده باشد و بعضی گفته‌اند که مراد از احدث آمدن باران است... و احداث به معنی مفاجأة نیز آمده است...» (همان: ۱/ ۶۸۵).

همو در جای دیگر، بعد از ذکر حدیث «و قال صلوات الله علیه لكل شیء طهور و طهور الفم السواک»، «یعنی حضرت صلوات‌الله‌علیه فرمودند که هر چیزی را مطهري است و مطهر دهان مسواک است»، می‌گوید:

و از این عبارت نیز ظاهر می‌شود که طهور به معنی مطهر است، نه طاهر، بلکه در هیچ جا احتمال طاهر ندارد و بر تقدیری که در لغت عرب به معنی طاهر آمده باشد در عرف خدا و رسول و ائمه صلوات‌الله‌علیهم به این معنی است (همان: ۱/ ۴۵۶).

نیز در جای دیگر بعد از ذکر روایتی می‌گوید: «و ممکن است توبه به معنی لغوی مستعمل باشد، یعنی رجوع به خدا یا آنکه در آن روز عمل قبیحی کرده باشد و از آن توبه کرده باشد...» (همان: ۱/ ۳۲۴).

۲. به کارگیری قواعد عربیت در شرح و ترجمه روایت‌ها

یکی از لوازم شرح روایت‌ها به کارگیری قواعد عربیت است، زیرا احادیث معصومان (ع) به زبان عربی صادر شده‌اند. از این رو، محمدتقی مجلسی در بیان معانی احادیث از این قواعد بهره برده و از احادیث را دقیق ترجمه کرده است. روش او چنین است که بعد از ذکر روایت، از ابتدا تا انتهای روایت را ترجمه نمی‌کند، بلکه روایت را بخش بخش ترجمه می‌کند و بعد از ترجمه هر بخش، به توضیح آن بخش و ذکر قواعد عربی موجود در آن می‌پردازد.

برای نمونه، بعد از ذکر حدیث «و روی ابن مسکان عن الهذیل عن ابی عبدالله صلوات الله علیه فی الرجل یتکل علی عدد صاحبته فی الطواف...»، «یعنی ابن مسکان از هذیل از ابی عبدالله صلوات الله علیه روایت می‌کند درباره شخصی که زنش بر شمردن او اعتماد کند در طواف...»، می‌گوید: «... و ظاهراً ضمیر عدده از قلم اکثر نساخ افتاده است و می‌باید اگرچه ممکن است که تنوین بدل از مضاف الیه باشد» (همو، ۱۴۱۹ق: ۸/۴۷ و ۴۸).

همچنین بعد از ذکر آیه «... فَأَغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ...» (مائده: ۶)، «یعنی... صورت و دست‌ها را تا آرنج بشویید...»، می‌گوید: «لفظ فاء در جزاء «اذا» واقع شده است، یعنی هر گاه به نماز برخیزید، پس رو را بشویید...» (همو، ۱۴۱۴ق: ۱/۳۴۵؛ برای اطلاع از نمونه‌های دیگر، نک. همان: ۱/۶۶۲، ۶۶۳، ۶۷۳ و ۶۷۴).

۳. گردآوری روایت‌های هم‌مضمون

وجه اشتراک اصلی احادیث هم‌مضمون، نظر داشتن آن‌ها به یک موضوع محوری است. بر اساس این می‌توانیم احادیث هم‌مضمون و مرتبط با یکدیگر را از احادیث ناسخ و معارض جدا و برای فهم کامل‌تر آن‌ها به مجموعه روایت‌های مشابه مراجعه کنیم (مسعودی، ۱۳۸۶ ش: ۱۵۰ و ۱۵۱).

محمدتقی مجلسی از این روش در شرح روایت‌ها بهره برده است. او حتی در برخی موارد روایت‌های هم‌مضمون با روایت مورد بحث را در منابع اهل سنت یافته و به آن‌ها استناد جسته است. روش او چنین است که یا ضمن ترجمه روایت به روایت‌های هم‌مضمون اشاره می‌کند و یا روایت‌های هم‌مضمون را بعد از ذکر روایت می‌آورد، یعنی اگر فرازی از یک روایت با روایت

دیگر مشابه بوده است، در ضمن ترجمه، آن‌ها را بیان کرده است؛ برای نمونه، بعد از ذکر عبارت «فاذا قمت الى الصلوة فلا تاتها سعيا و لا متكاسلا و لا متناعسا و لا مستعجلا و لكن على سکون و وقار»، «یعنی پس چون خواهی که نماز کنی، پس میا به سوی نماز به عنوان دویدن و از روی کسلی و تبلی نماز مکن و چون پینکی زنی که خوابت آید، نماز مکن و نه با عجله، بلکه با سکون و وقار متوجه نماز شو» می‌گوید:

و در حدیث صحیح زراره منقول است که حضرت امام محمدباقر صلوات الله علیه فرمودند که چون به نماز برخیزی بر تو باد که دل خود را متوجه نماز گردانی، زیرا که از نماز تو چیزی مقبول است که دل تو با خدا باشد ... بدان که بر هر یک از آنچه صدوق ذکر کرده است، احادیث صحیح و حسنه وارد شده است و ذکر همه آن‌ها سبب طول می‌شود، بعضی از اخبار را ذکر می‌کنم که فواید بسیار دارد؛ از آن جمله حدیث صحیح زراره که روایت کرده است از حضرت امام محمدباقر صلوات الله علیه که فرمودند که ... و در حسن کالصحیح از حلبی منقول است که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که چون داخل شوی در نماز، پس بر تو باد که با خشوع باشی و دل به نماز دهی ... و در احادیث بسیار وارد شده است از حضرت سیدالمرسلین صلی الله علیه و آله که فرمودند که حق سبحانه و تعالی کراهت دارد از عبث در نماز. و ... (مجلسی، ۱۴۱۶ق: ۴/ ۱۳-۱۹).

همچنین بعد از ذکر حدیث «و روی معاویة بن وهب عن ابی عبدالله صلوات الله علیه انه قال اذا دخلت بلدا و انت ترید المقام عشرة ايام فاتم الصلوة حين تقدم و ان اردت المقام دون العشرة فقصر ...»، «یعنی حضرت صلوات الله علیه فرمودند که هر گاه در شهری داخل شوی و اراده داشته باشی که ده روز در آن شهر بمانی، پس چون داخل آن شهر شوی، نماز را تمام کن و اگر اراده اقامت کمتر از ده روز داشته باشی، قصر کن ...»، می‌گوید: «و بر این مضمون وارد است صحیح زراره و حسن کالصحیح محمد بن مسلم و حسن کالصحیح ابویوب و غیر آن از اخبار بسیار و شکی نیست در آنکه قصد اقامت عبارت است از آنکه در خاطر داشته باشد که خواهد بود اگرچه در ابتدای سفر باشد...» (همو، ۱۴۱۷ق: ۵/ ۱۶-۱۹).

ج. جمع بین روایت‌های متعارض بدوی و حل تعارض‌های مستقر روایی

گاه با ملاحظه روایت‌های هم‌مضمون در کنار یکدیگر، بین آن‌ها اختلاف‌هایی دیده می‌شود که یا باید بین آن‌ها جمع کرد یا به حل آن‌ها پرداخت. این اختلاف‌ها دو گونه‌اند: یا ناشی از ناآگاهی از روابط موجود میان آن‌هاست؛ یا به علت تعارض واقعی میان مدلول آن‌ها. مجلسی درباره هر دو نوع تعارض با دقت عمل کرده و روابط بین روایت‌های دسته اول و راه‌های حل تعارض روایت‌های دسته دوم را روشن و وجوه هر کدام را بیان کرده است.

۱. کشف روابط بین روایت‌ها و جمع میان روایت‌ها متعارض بدوی

تعارض بین روایت‌ها دو گونه است: ۱. تعارض بدوی و تعارض مستقر. اگر در دو روایت متعارض بتوان یکی را بر معنایی حمل کرد که دیگری را رد نکند و با تأمل و دقت نظر این تعارض زائل شود، آن را تعارض بدوی گویند و اگر تعارض بین دو روایت از نوع تناقض یا تضاد باشد، به طوری که نتوان بین آن‌ها را جمع کرد، آن را تعارض مستقر گویند (نک. مظفر، ۱۳۷۰ش: ۲/ ۱۸۶-۱۹۴؛ محقق داماد ۱۳۸۷ش: ۳/ ۱۲۷). تعارض بدوی در اثر ناآگاهی از روابط بین متعارضین، و تعارض مستقر به علت استقرار تعارض در آن‌ها به وجود آمده است.^۱ بنابراین، در واقع امر، بین روایت‌های دسته اول تعارضی نیست، بلکه معصومان (ع) بنا به اقتضای شرایط به گونه‌های مختلف سخن گفته‌اند. مجلسی با این نگرش به سراغ روایت‌ها رفته و روابط بین آن‌ها را کشف کرده است.

عام و خاص

عام لفظی است که کلیه افراد و مصداق‌های قابل انطباق خود را شامل می‌شود و خاص لفظی است که صرفاً بعضی از افراد و مصداق‌های قابل انطباق خود را دربرمی‌گیرد (نک. کاظمی خراسانی، ۱۴۰۴ق: ۲/ ۵۱۱؛ آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق: ۲۱۵-۲۱۷؛ منتظری، [بی‌تا]: ۳۱۶؛ بروجردی، ۱۴۱۷ق:

۱. برای اطلاع از راه‌های جمع میان روایت‌های متعارض بدوی، نک. فقهی‌زاده و خرمی اجلالی، ۱۳۸۸ش (ب): ۹۲.

۱۵۷). یعنی دلیل خاص قوی تر است و موجب می شود دلیل عام را کنار بگذاریم و به دلیل خاص عمل کنیم و اما مخصص عبارت از قید، صفت یا عبارتی است که دایره شمول عام را محدود می سازد (نک. مشکینی، ۱۳۸۶ش: ۲۳۴؛ محقق داماد، ۱۳۸۷ش: ۱/۱۳۷).

برای نمونه، بعد از ذکر عبارت «و لو أن میزابین سالا میزاب بول و میزاب ماء فاختلطاً ثم اصاب ثوبک منه لم یکن به بأس»، «یعنی اگر آنکه دو ناودان روان شود، یک ناودان بول، و یک ناودان آب و به یکدیگر مخلوط شوند و از این آب مخلوط به جامه تو رسد باکی نیست»، می گوید:

این عبارت را شیخان به عنوان قوی از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده اند و علما حمل نموده اند حدیث را بر آنکه در وقت آمدن باران به یکدیگر مخلوط شوند، و آب باران متغیر نشود از بول، چنان که غالب این می باشد که ناودان از باران روان می شود و آب باران اضعاف بول می باشد. و مؤید این حمل آنکه شیخان به عنوان حسن کالصحیح از آن حضرت روایت نموده اند که هرگاه دو ناودان روان شود و یکی از بول، و یکی از آب باران و به یکدیگر مخلوط شوند، و به جامه شخصی رسد به او ضرر ندارد، یعنی نجس نمی شود (مجلسی، ۱۴۱۴ق: ۱/۲۱۳).

یعنی محمدتقی مجلسی به کمک روایت دیگر این روایت را مقید کرده است که اگر در حین آمدن باران چنین اتفاقی بیفتد، مشکلی ندارد و نجس نمی شود، نه در هر زمان دیگری. همچنین بعد از ذکر روایتی، می گوید: «و دیگر در احادیث صحیحه نیز وارد شده است... پس همین احادیث دلیل است بر آنکه از گلاب وضو و غسل نتوان کرد و لیکن چون صدوق عمل به این حدیث کرده است، تخصیص این اخبار می دهد» (همان: ج ۱/ ۲۵۱؛ برای اطلاع از نمونه های دیگر نک. همان: ج ۱/ ۲۱۰ و ۲۴۷).

مطلق و مقید

مطلق لفظی است که قابلیت دلالت بر تمامی افراد جنس خود را یعنی افرادی که می توانند تحت آن لفظ قرار گیرند، داشته باشد و معنای آن نسبت به همه حالت های لفظ فراگیر است و مقید لفظ یا عبارتی است که این اطلاق را محدود می سازد (نک. کاظمی خراسانی، ۱۴۰۴ق: ۲/ ۵۶۳؛

آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق: ۲۴۳؛ احسانی فر لنگرودی، ۱۳۸۶ش: ۱۸۴؛ دلبری، ۱۳۸۶ش: ۲۱۶ و ۲۱۷). تفاوت عام و مطلق در این است که دلالت عام بر افراد بالوضع است، ولی دلالت مطلق بر افراد و مصداق‌هایش بالوضع نیست، بلکه بالعقل است؛ یعنی در عام با توجه به ساختمان جمله، لفظ و ادوات ملفوظ، شمول و سرایت به افراد و مصداق‌های تحت عام استنباط می‌شود، مانند «همه علما را احترام کنید»، ولی در اطلاق این گونه نیست مانند «عالم را احترام کنید» که در آن هیچ گونه لفظی از ادوات عموم وجود ندارد (محقق داماد، ۱۳۸۷ش: ۱ / ۱۷۱).

مجلسی برای نمونه بعد از ذکر حدیث «و سئل عمار الساباطی ابا عبدالله صلوات الله علیه عن القیء یصیب الثوب فلا یغسل فقال لا بأس به»، «یعنی عمار از حضرت صلوات الله علیه سؤال نمود که اگر قی به جامه رسد و نشویند، چگونه است، حضرت فرمودند که باکی نیست»، می‌گوید: «و ممکن است که عمار دو مرتبه سؤال کرده باشد؛ یکبار مطلق و یکبار مقید. و لیکن مشهور حمل مطلق است بر مقید، و استدلال نمی‌توان کردن بر جواز نماز در قی دیگران (مجلسی، ۱۴۱۴ق: ۱ / ۲۱۶ و ۲۱۷). همچنین بعد از ذکر روایتی، می‌گوید: «پس ظاهر کلام صدوق آن است که چون حدیث اول مطلق بود و این حدیث مقید است مطلق را حمل بر مقید می‌کند» (مجلسی، ۱۴۱۴ق: ۱ / ۵۱۴). برای اطلاع از نمونه‌های دیگر نک. همان ۱۴۱۴ق: ۱ / ۲۱۳، ۲۵۰، ۲۵۶، ۲۷۳ و ۳۳۳).

مجمل و مبین

مجمل لفظی است که دلالت آن بر مقصود ظاهر و روشن نیست و در ظاهر بر معنایی که برای آن وضع شده است، دلالت ندارد (نک. آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق: ۲۵۲؛ استرآبادی، ۱۳۷۸ش: ۴۵۴؛ مامقانی، ۱۴۱۱ق: ۱ / ۳۱۷). اگرچه ممکن است در گذشته یا نزد گروهی خاص روشن بوده باشد و مبین برخلاف مجمل است و دلالتش بر مقصود گوینده واضح و روشن است و آن را مفصل نیز می‌گویند (نک. مشکینی، ۱۳۸۶ش: ۲۳۳؛ آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق: ۲۵۲؛ استرآبادی، ۱۳۷۸ش: ۴۵۴؛ مامقانی، ۱۴۱۱ق: ۱ / ۳۱۸؛ مشکینی، ۱۳۸۶ش: ۲۳۳). رابطه میان مجمل و مبین به گونه‌ای است که مبین مجمل را از ابهام خارج و معنای آن را روشن می‌کند و این اجمال و تبیین در کلام شخصی واحد ممکن است رخ دهد (نک. محقق داماد، ۱۳۸۷ش: ۱ / ۱۸۳؛ دلبری، ۱۳۸۶ش: ۲۱۹).

برای نمونه، مجلسی اول بعد از ذکر حدیث «و سئل محمد بن مسلم ابا جعفر صلوات الله علیه عن البئر یقع فیها المیتة فقال ان کان لها ریح نزع منها عشرون دلواً»، «یعنی محمد بن مسلم از حضرت صلوات الله علیه سؤال کرد درباره چاهی که در آن چاه مرداری بیفتد، پس حضرت فرمودند که اگر آن میته بدبو شده است، بیست دلو آب کشند»، می گوید: «... و لیکن علما به این حدیث عمل نکرده اند، چون مجمل است و احادیث مفصله بر خلاف این هست و ظاهراً عمل توان کرد در میته که به خصوص آن از حضرت منقول نباشد والله تعالی یعلم» (مجلسی، ۱۴۱۴ق: ۱/ ۲۸۳ و ۲۸۴). همچنین بعد از ذکر روایتی می گوید: «... ظاهراً همین جا روایت ایشان تمام می شود، و این روایت را از این جهت ذکر کرده است که تدارک اجمال روایت ابوبصیر بکند» (مجلسی، ۱۴۱۴ق: ۱/ ۴۹۵).

نص و ظاهر

نص لفظی است که دلالتش بر مقصود راجح و صریح است و معارض قوی یا مثل خود نداشته باشد و معنای دیگری از آن افاده نشود و ظاهر لفظی است که دلالتش بر معنا ظنی و راجح باشد و احتمال معنای دیگری نیز برای آن وجود داشته باشد (نک. استرآبادی، ۱۳۷۸ش: ۴۵۴؛ مامقانی، ۱۴۱۱ق: ۱/ ۳۱۶ و ۳۱۷؛ مشکینی، ۱۳۸۶ش: ۲۳۳).

مجلسی برای نمونه بعد از ذکر حدیث «و سئل علی بن جعفر اخاه موسی بن جعفر صلوات الله علیهما عن البیت بیال علی ظهره و یغتسل من الجنابة ثم یصیبه المطر أ یؤخذ من مائه فیتوضأ به للصلوة فقال إذا جرى فلا بأس به»، «یعنی علی بن جعفر سؤال کرد از برادرش حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه درباره خانه هایی که بر پشت بام آن همیشه بول کنند، و غسل جنابت کنند و باران می آید، آیا از آن آب باران وضو می توان ساخت از جهت نماز، حضرت فرمودند که هرگاه باران آن مقدار بیاید که جاری شود، باکی نیست»، می گوید:

... حضرت فرمودند که هرگاه باران آن مقدار بیاید که جاری شود، باکی نیست، و بام را پاک می کند و آب آن نیز پاک است. و محتمل است که مراد این باشد که تا باران می آید،

آن آب پاک است، اما اول اظهار است و موافق احادیث دیگر است (مجلسی، ۱۴۱۴ق: ۱ / ۲۱۵).

همو همچنین بعد از ذکر حدیث «و سئل الصادق صلوات الله علیه عن جلد الخنزیر یجعل دلواً یستقی به الماء فقال لا بأس به»، «یعنی از حضرت صلوات الله علیه سؤال کردند دربارهٔ پوست خوکی که آن را دلو کنند و آب بکشند، حضرت فرمودند که باکی نیست»، می‌گوید: «... و ظاهر این خبر نیز آن است که چاه به ملاقات نجاست نجس نشود والله تعالی یعلم» (همان: ۱ / ۲۲۹).

مفهوم و منطوق

منطوق مدلولی است که از الفاظ صریح متن برآید، و مفهوم مدلولی است که در کلام نباشد؛ ولی از آن استنباط و فهمیده شود (نک. کاظمی خراسانی، ۱۴۰۴ق: ۲ / ۴۵۶ به بعد؛ آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق: ۱۹۳ به بعد؛ محقق داماد، ۱۳۸۷ش: ۱ / ۱۱۵).

مؤلف لوامع صاحبقرانی برای نمونه بعد از ذکر حدیث «و قال رسول الله صلعم کل شیء یجتزّ فسؤره حلال و لعابه حلال»، «یعنی حضرت فرمودند که هر حیوانی که نشخوار کند و برگرداند آنچه را خورده است، پس بازماندهٔ او حلال است، و آب دهانش اگر داخل آب شده باشد، حلال است»، می‌گوید: «و شکی نیست در منطوق حدیث، اما مفهوم حدیث دلالت می‌کند که هر حیوانی که نشخوار نکند، سؤرش حلال نیست، و لعابش حلال نیست، و به این مفهوم عمل کرده‌اند بعضی از علما، و این قول ضعیف است؛ زیرا که دلالت مفهوم ضعیف است خصوصاً مفهوم صفت...» (مجلسی، ۱۴۱۴ق: ۱ / ۲۱۷ و ۲۱۸).

همو همچنین بعد از ذکر حدیث «و قد روی فی الجبائر عن ابی عبدالله صلوات الله علیه إنه قال یغسل ما حولها»، «یعنی از حضرت صلوات الله علیه منقول است در شکسته بسته‌ها که اطراف آن را می‌شوید»، می‌گوید:

... و لیکن در احادیث حسنه کالصحیح از آن حضرت صلوات الله علیه وارد است که مسح بر خرقة بکشد و میان این دو حکم منافاتی نیست؛ مگر من حیث المفهوم چون در جواب همین را فرمودند

اگر مسح بر خرقه در کار می‌بود، البته می‌فرمودند، و لیکن منطوق مقدم است بر مفهوم و هیچ شک نیست که احوط مسح کشیدن است (مجلسی، ۱۴۱۴ق: ۱/ ۴۳۰ و ۴۳۱).

حمل حقیقت بر مجاز

حقیقت لفظی است که در معنای وضعی خود به کار رفته است و مجاز لفظی است که در عین ارتباط با معنای حقیقی، در غیر معنای وضعی آن استعمال شده است (هاشمی، ۱۴۲۰ق: ۲۵۳). استفاده معصومان یا راویان سخن آنان از الفاظ و تعبیرهای خاص بر سبیل مجاز، گاه موجب تعارض ظاهری برخی از روایت‌ها با همدیگر شده است؛ بدون آنکه تعارض واقعی میان آن‌ها وجود داشته باشد. محمدتقی مجلسی در شرح روایت‌ها به این مسئله توجه داشته است. او برای نمونه، بعد از ذکر حدیث «و سأله عن الرجل يمر في ماء المطر و قد صب فيه خمر فاصابت و در تهذيب فاصاب ثوبه...»: «از حضرت سؤال کردند درباره شخصی که بگذرد به آب بارانی که در آنجا شراب ریخته باشند، و آن شراب به جامه او رسد...»، می‌گوید: «...اما به این حدیث استدلال بر طهارت نمی‌توان کرد، چون محتمل است که به واسطه باران پاک شده باشد، و اصابت بر سبیل مجاز باشد، بلکه این اظهر است؛ خصوصاً هرگاه نسخه اصاب نیز [موجود] باشد» (مجلسی، ۱۴۱۴ق: ۱/ ۲۱۶).

همچنین در جای دیگر بعد از ذکر روایتی می‌گوید: «... و حمل نموده‌اند امر به ریختن را بر مجاز، یعنی به سبب اشتباه طاهر به نجس، طاهر حکم نجس دارد...» (همان: ۱/ ۲۱۲ و ۲۱۳؛ برای اطلاع از نمونه‌های دیگر، نک. همان: ۲۶۹ و ۶۴۱).

حمل امر بر استحباب

برخی جمله‌ها خبری‌اند، اما در حقیقت از آن‌ها جمله انشاییه اراده شده است که گاه ظهور در حرمت دارد و گاه ظاهر در وجوب است. کاربرد آن‌ها در استحباب کم نیست و خبر معارض می‌تواند قرینه‌ای برای این معنا باشد. از این شیوه فراوان استفاده می‌شود و محدثان و فقیهان آن را در بسیاری از موارد به کار برده‌اند (مسعودی، ۱۳۸۶ ش: ۱۹۱). ملا محمدتقی مجلسی از کسانی

است که از این شیوه در شرح احادیث استفاده کرده است. او برای نمونه، بعد از ذکر حدیث «و سئل الصادق صلوات الله علیه عن جلود المیتة يجعل فيها اللبن و الماء و السمن ما تری فیہ فقال لا بأس بأن تجعل فیها ما شئت من ماء او لبن او سمن و تتوضأ منه و تشرب و لكن لا تصل فیها»؛ «از آن حضرت -صلوات الله علیه- سؤال کردند از پوست‌های حیوان مرده که در آنجا شیر و آب و روغن می‌کنند، شما چه اعتقاد دارید؟ حضرت فرمودند که باکی نیست که هر چه خواهید در آنجا بکنید از آب و شیر، و روغن و از آن آب وضو بسازید، و بخورید، و لیکن در آن پوست نماز مکنید» می‌گوید: «... و نهی که وارد شده است از نماز بر سیل استحباب است، والله تعالی یعلم» (همان: ۱/ ۲۲۹ و ۲۳۰).

همچنین در جای دیگر بعد از ذکر روایتی می‌گوید: «و در عقرب نیز دو حدیث موثق وارد شده است که هرگاه داخل آب شود، آن آب را بریزند و همه محمول است بر استحباب از جهت حدیث صحیح علی بن جعفر و غیر آن که از پیش گذشت...» (همان: ۱/ ۲۲۷ و ۲۲۸؛ برای اطلاع از نمونه‌های دیگر، نک. همان: ۱/ ۲۶۴، ۲۷۵ و ۵۴۶).

حمل نهی بر کراهت

گاه اخبار معارض در جانب نهی موجب می‌شوند که نهی را که ظهور در حرمت دارد، بر کراهت حمل کنیم. محمد تقی مجلسی با اطلاع از این موضوع، گاه احادیث را بر کراهت حمل کرده است. او برای نمونه، بعد از ذکر عبارت «و الماء الذی تسخنه الشمس لا يتوضؤ به و لا یغتسل به من الجنابة و لا یعجن به لأنه یورث البرص»؛ «آبی را که آفتاب گرم کرده باشد، وضو به آن نمی‌توان ساخت، و غسل جنابت از آن آب نمی‌توان کرد، و خمیر از آن نمی‌توان کرد؛ زیرا سبب پیسی می‌شود»، می‌گوید:

... و مذهب ابن بابویه ظاهر نیست که حرام می‌داند یا مکروه، چون او نیز بر وفق حدیث نهی نموده است، و اظهر کراهت است جمعاً بین الاخبار و جمعی از علما گفته‌اند که مکروه

است همهٔ استعمالات، حتی آنکه اگر گرمی‌اش زایل شده باشد نیز مکروه دانسته‌اند، و این بهتر است و به اطاعت اقرب (همان: ۱/ ۲۱۰ و ۲۱۱).

همچنین در جای دیگر بعد از ذکر روایتی می‌گوید: «ولیکن دو حدیث صحیح و دو کالصحیح بر جواز وارد شده است، پس نهی را بر کراهت حمل می‌باید کرد و عبارت صدوق را نیز حمل بر کراهت می‌باید کرد تا مخالفت احادیث را نکرده باشد» (همان: ۱/ ۶۲۸ و ۶۲۹؛ برای اطلاع از نمونه‌های دیگر، نک. همان: ۱/ ۲۱۷، ۲۲۳، ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۷۹ و ۶۱۱).

حمل تفسیر روایت بر جواز

گاه بیان یک روایت در مقام بیان جواز انجام دادن عمل خاصی است و در استحباب یا وجوب عمل نظری ندارد. محمدتقی مجلسی به این موضوع نیز توجه داشته است. او برای نمونه، بعد از ذکر حدیث «و سأل عبيدالله بن علي الحلبي ابا عبد الله - صلوات الله عليه - عن الرجل إذا اجنب و لم يجد الماء؟ قال يتيمم بالصعيد ... و عن الرجل يجنب و معه قدر ما يكفيه من الماء لوضوء الصلوة أ يتوضأ بالماء او يتيمم قال لا بل يتيمم الا ترى أنه إنما جعل عليه نصف الوضوء»: «حلبی سؤال کرد از حضرت - صلوات الله عليه - دربارهٔ شخصی که جنب شود و نیابد آب را، حضرت فرمودند که تیمم می‌کند ... و حلبی از آن حضرت سؤال کرد دربارهٔ شخصی که جنب شود و با او آن مقدار آب باشد که از برای وضو کافی باشد، آیا به آب وضو سازد یا تیمم کند، حضرت فرمودند که بلکه تیمم کند. نمی‌بینی که حق - سبحانه و تعالی - بر او واجب ساخته است نصف وضو را»، می‌گوید: «... پس جمع بینهما به این نحو می‌توان کرد که این حدیث و امثال این حدیث از احادیث صحیحه را حمل بر جواز کنیم، و احادیث غسل و اعاده نماز را حمل بر استحباب کنیم، چنان که اکثر علما کرده‌اند و این اظهر است...» (همان: ۱/ ۶۷۷-۶۷۹).

همچنین در جای دیگر بعد از ذکر روایتی می‌گوید: «و چون به حسب ظاهر مخالفتی با حدیث اول دارد یک مرتبه حمل کرده‌اند اول را بر جواز و دویم را بر کراهت...» (همان: ۱/ ۴۵۷ و ۴۵۸؛ برای اطلاع از نمونه‌های دیگر، نک. همان: ۱/ ۲۵۲، ۴۴۴، ۶۰۹، ۶۴۹، ۶۵۲ و ۶۷۹).

حمل تفسیر روایت بر حالت ضرورت

از دیگر موارد وجود حدیث معارض «حمل بر ضرورت» است و این هم در موارد امر به فعل و هم در جواز فعل جاری است (مسعودی، ۱۳۸۶ش: ۱۹۳). محمدتقی مجلسی ضمن شرح روایت‌ها، در موارد بسیار معدودی آن‌ها را حمل بر ضرورت کرده است؛ برای نمونه بعد از ذکر روایتی می‌گوید:

و احتمال بعیدی هست که «ویمرفیه» حال باشد، یعنی می‌تواند خواب کردن در حال مرور به آنکه بر دوش کسی باشد و به خواب رود و او را بیرون برد و بسیار است که جمعی در راه رفتن به خواب می‌روند، مثال شاطران چون عادت کرده‌اند، و حمل بر ضرورت اولی است والله تعالی یعلم (همان: ۶۰۹).

ایشان بعد از ذکر روایت دیگری می‌گوید: «... و این در صورتی است که خوف ضرر باشد و جبیره نتوان کردن و اگر ممکن باشد اولی جبیره است» (همان: ۶۸۸).

حمل تفسیر روایت بر کنایه

«کنایه» در لغت عبارت از چیزی است که انسان گوید و غیر آن را اراده کند، و در اصطلاح، یعنی لفظی که در غیر معنای وضع شده استعمال شود و اراده معنی اصلی آن هم جایز باشد؛ چون قرینه بازدارنده از اراده معنی اصلی وجود ندارد (هاشمی، ۱۴۲۰ق: ذیل مبحث کنایه). محمدتقی مجلسی در ضمن شرح روایت‌ها در موارد بسیار معدودی آن‌ها را حمل بر کنایه کرده است. برای نمونه بعد از ذکر روایتی می‌گوید: «... و ممکن است که مراد این باشد که چون آب زیر زمین به هم راه دارند و به دریا نیز اتصال دارند، کنایه از ماده باشد که چون هر دو ماده دارند دیر متغیر می‌شود و تا متغیر نشود، نجس نمی‌شود» (همان: ۲۷۳ / ۱). همچنان که بعد از ذکر روایت دیگری می‌گوید: «... و بعضی گفته‌اند که سفیدی رو کنایه است از خوشحالی ایشان، چنان که حق - سبحانه و تعالی - فرموده است...» (همان: ۴۰۲ / ۱).

تأویل روایت

واژه «تأویل» از «أول» است؛ یعنی رجوع به اصل... . تأویل رساندن چیزی به سوی مقصودی است که چه از راه علم و چه از راه عمل اراده شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق: ۹۹؛ برای آشنایی بیشتر با واژه «تأویل» و مشتقات آن در قرآن، نک. شاکر، ۱۳۷۶ش: ۲۳-۱۰۷؛ فقهی زاده، ۱۳۸۵ش: ۸۱-۸۴). مؤول لفظی است که به واسطه قرینه‌ای عقلی یا لفظی بر معنای مرجوح حمل می‌شود (نک. مامقانی، ۱۴۱۱ق: ۱/۳۱۷). به عبارت دیگر، لفظی است که ظاهرش مخالف دلیل قطعی و مثل آن است، پس از ظاهر خود انصراف می‌یابد (استرآبادی، ۱۳۷۸ش: ۴۵۴). محمدتقی مجلسی در مواجهه با احادیث معارض گاه به تأویل آن‌ها می‌پردازد. هر چند تا حد امکان از آن پرهیز جسته است. او برای نمونه، بعد از ذکر عبارت «فان صلت المرأة من الظهر رکعتین ثم رأی الدم قامت من مجلسها و لیس علیها اذا طهرت قضاء رکعتین...»؛ «اگر زنی دو رکعت نماز ظهر بگذارد و خون حیض بیاید، برخیزد از آنجا و در وقتی که پاک شود، قضای این دو رکعت بر او لازم نیست...»، می‌گوید:

و اکثر علما به این حدیث عمل نکرده‌اند و تأویل کردند که این در صورتی است که نماز ظهر را در اول وقت به جای آورده باشد و هر گاه در اثنا خون ببیند، کاشف می‌آید که نماز ظهر بر او واجب نبوده است و نماز شام را بعد از گذشتن مقدار یک رکعت شروع کرده باشد، کاشف آید که مقدار سه رکعت داشته است و تقصیر کرده است که آن را در اول وقت به جای نیاورده است، پس قضا می‌کند آن رکعت را در ضمن سه رکعت والله تعالی يعلم (مجلسی، ۱۴۱۴ق: ۱/۶۴۳).

همو بعد از ذکر روایت «و قال الصادق صلوات الله علیه ان الله تبارک و تعالی امر الحوت ان تحمل الارض و کل بلد من البلدان علی فلس من فلوسه...»؛ «حضرت صلوات الله علیه - فرمودند که حق - سبحانه و تعالی - امر فرمود ماهی را که زمین را بردارد و هر شهری که هست بر فلسی از فلس‌های آن ماهی است...»، به بیان تأویل‌های مختلف می‌پردازد، اما در آخر می‌گوید: «... و اگر کسی تأویل نکند اولی است، چون منافاتی با عقل ندارد و الله تعالی يعلم» (همان: ۵/۳۴۳-۳۴۵). برای اطلاع از نمونه‌های دیگر، نک. همان: ۱/۶۶، ۲۵۹، ۲۶۹، ۲۷۶، ۳۸۴، ۳۸۵، ۴۶۴، ۵۵۹، ۵۷۸، ۵۷۹ و ۶۲۸).

حمل روایت بر تقیه

تقیه کتمان عقیده یا ابراز عقیده‌ای بر خلاف نظر قلبی برای اجتناب از زیان دینی یا دنیایی است (معموری، ۱۳۸۷ش: ۷۷). حمل بر تقیه در جایی لازم است که با مفروض داشتن درستی و اتقان احادیث معارض و ناتوانی در خرده‌گیری بر اسناد آن‌ها، ناگزیر از تغییر در دلالت حدیث و یا کشف جهت صدور آنیم (مسعودی، ۱۳۸۶ش: ۱۹۵).

نشانه‌های تقیه در حدیث از دیدگاه مجلسی اول عبارت‌اند از: ۱. نشانه‌های تقیه در سند؛ انتساب حدیث به امام پیش از خود و حضور راوی عامی‌مذهب در سلسله سند؛ ۲. نشانه‌های تقیه در متن و محتوای حدیث: امر به سکوت، قیاس در حدیث، تعارض حدیث با آیه محکم یا خبر متواتر، ابهام در حدیث، اضطراب و تشویش متن، حدیث دارای استفهام انکاری، وجود قرینه دال بر مشابهت با عامه و توافق با دیدگاه‌های عموم مردم (نک. مهدوی راد و امین ناجی، ۱۳۸۸ش: ۱۳-۲۱). او بین دو اصطلاح تقیه و اتقاء تمایز می‌نهد: تقیه به معنای رعایت احتیاط برای حفظ جان و مال خود و اتقاء، یعنی رعایت احتیاط برای محافظت از جان و مال دیگران است (نک. همان: ۱۱).

او برای نمونه، بعد از ذکر حدیث «و سأل عبیدالله بن علی الحلبي ابا عبدالله -صلوات الله عليه- عن الحايض ما يحل لزوجها منها...»: «یعنی حلبی از حضرت -صلوات الله علیه- سؤال کرد که از حایض چه چیز حلال است بر شوهرش...» می‌گوید:

و محتمل است که تقیه وارد شده باشد، چون موافق اکثر عامه است و قرینه تقیه حکایت می‌مونه، و هر جایی که حضرات ائمه معصومین استشهد می‌آورند به گفته ازواج نبی یا غیر ایشان، ظاهرش تقیه است، و اگر نه، قول ایشان قول الله است؛ چه حاجت به فعل دیگری دارد^۱ (همان: ۱/ ۶۶۳ و ۶۶۴).

۱. به عقیده برخی از محققان معاصر، اینکه ائمه به روایت‌های همسران پیامبر (ص) استناد کنند، از باب تعریض است. یعنی هر گاه انسان نتواند آزادانه سخن بگوید با هر وسیله ممکن که بتواند، موقعیت خود را روشن سازد تا به مستمعان تیزهوش بفهماند که صراحت لهجه ندارد و سخن او جدی نیست. این شیوه سخن‌پردازی فراوان مورد استفاده قرار گرفته است و امامان معصوم (علیهم‌السلام) که همواره در تقیه و استتار به سر می‌برده‌اند، به هنگام لزوم، شیوه تعریض را به کار می‌بسته‌اند (بهبودی، ۱۳۷۸ش: ۱).

همو همچنین بعد از ذکر عبارت «اللهم صل علی محمد و علی ائمة المؤمنین. اللهم اجعلنی ممن خلقتہ لدینک و ممن خلقت لجتک»: «پروردگارا، بر محمد و بر ائمة مؤمنان صلوات بفرست. پروردگارا، قرار بده من را از کسانی که خلق کرده‌ای آن‌ها را برای دینت و از جمله کسانی که خلق کرده‌ای آن‌ها را برای بهشت»، می‌گوید: «... و ظاهراً از جهت اتقا چنین فرموده باشند» (همو: ۱۴۱۷ق: ۵/ ۱۸۰؛ برای اطلاع از نمونه‌های دیگر، نک. همو، ۱۴۱۴ق: ۱/ ۲۵۱، ۴۴۷، ۵۱۱، ۵۱۹ و ۵۳۰).

حل تعارض‌های مستقر روایی

روایت‌های متعارض دو گونه‌اند: روایت‌های متعارضی که بر هم ترجیحی ندارند. در این صورت، دو راه وجود دارد: یکی تخییر و دیگری توقف (نک. محقق داماد، ۱۳۸۷ش: ۳/ ۱۴۵-۱۷۲؛ فقهی‌زاده و خرمی اجلالی، ۱۳۸۸ش (الف): ۶۹). با تأمل در اخبار توقف می‌توان دریافت که این اخبار به زمان حضور معصومان اختصاص دارند؛ زیرا در همه آن‌ها توقف مقید به دیدن امام معصوم است (همان: ۷۰). دیگری روایت‌های متعارضی که یکی از آن‌ها بر دیگری ترجیح دارد که بر اساس ملاک‌های معتبر باید میان آن‌ها ترجیح داد (نک. محقق داماد، ۱۳۸۷ش: ۳/ ۱۴۵-۱۷۲؛ فقهی‌زاده و خرمی اجلالی، ۱۳۸۸ش (الف): ۷۰). بنابراین محمدتقی مجلسی در مواجهه با این روایت‌ها یا میان آن‌ها ترجیح می‌دهد یا تخییر. به هر حال، مهم این است که مجلسی اول در *لوامع صاحبقرانی* از راه حل توقف استفاده نکرده است، شاید به این سبب که این گونه روایت‌ها در کتاب *من لا یحضره الفقیه* وجود ندارد.

۳۴). بنابراین احادیثی که بر سبیل تعریض وارد شده است، حکایت از نظر اصلی امام ندارد (معارف، ۱۳۸۸ش: ۶۴؛ برای اطلاع از نمونه‌های تعریض در روایت‌ها، نک. بهبودی، ۱۳۷۸ش: ۳۴-۷۸؛ معارف، ۱۳۸۸ش: ۶۵-۶۶).

ترجیح بین روایت‌ها

گاه دسته‌ای از روایت‌ها از جهت یا جهاتی بر دسته‌ای دیگر ترجیح دارند. در این صورت، باید بر اساس ملاک‌های معتبرِ ترجیح روایت‌های متعارض که در دسته‌ای از روایت‌های ائمه (ع) نقل شده‌اند، یکی از متعارضین را بر دیگری ترجیح داد (نک. طوسی، ۱۴۰۳ق: ۱ / ۳۷۰-۳۸۸؛ مغنیه، ۱۹۸۰م: ۴۴۱-۴۴۷؛ مظفر، ۱۳۷۰ش: ۲ / ۲۱۷-۲۲۳). مرجحات ممکن است متنی یا سندی باشند (فقهی‌زاده و خرمی اجلالی ۱۳۸۸ش (الف): ۷۴-۷۶). محمدتقی مجلسی با شناخت کامل انواع مرجحات به ترجیح بین برخی روایت‌ها پرداخته است. او برای نمونه، بعد از ذکر حدیث «و قال الصادق صلوات الله علیه إذا توضأ الرجل فلیصفق وجهه بالماء فإنه إن كان ناعسا فزع و استیقظ، و إن كان البرد فزع فلم یجد البرد»: «آن حضرت صلوات‌الله- علیه فرمودند که هرگاه مردی خواهد که وضو بسازد، آب را بر رو زند که اگر خوابش آید، خواب از سرش به در می‌رود، و اگر سرما باشد، از دهشت زدن آب سرما را نمی‌یابد»، می‌گوید:

... و به حسب ظاهر مخالفت دارد با حدیث صحیح زراره که گذشت، و با حدیث کالصحیح که از حضرت سید المرسلین صلی‌الله علیه و آله منقول است ... و جمع کرده‌اند که خبر اول محمول است بر جواز، و ثانی بر استحباب، و بهتر در جمع آن است که اگر خوابش آید یا سرما باشد آب را بر رو بزند و الا نزند، و این جمع بد نیست، اما عمل به حدیث زراره مطلقاً بهتر است و الله تعالی یعلم (مجلسی، ۱۴۱۴ق: ۱ / ۴۴۵).

همچنین بعد از ذکر حدیث «روی عبدالرحمن بن ابی عبدالله عن الصادق صلوات‌الله علیه- أنه قال صلی‌النبی صلی‌الله علیه و آله باصحابه فی غزاه ذات الرقاع ففرق اصحابه فرقتین فاقام فرقة بازاء العدو و فرقة خلفه فکبر و کبروا فقرا و انصتوا فرکع و رکعوا فسجد و سجدوا ثم استمر رسول الله صلی‌الله علیه و آله قائماً فصلوا لانفسهم رکعة: حضرت صلوات‌الله علیه فرمودند که نبی اکرم با اصحاب خود نماز گزارند در جنگ ذات الرقاع. پس حضرت اصحاب خود را دو طایفه کردند: یک طایفه را فرستادند که در برابر دشمن بایستند و یک طایفه را در عقب خود بازداشتند. پس حضرت تکبیر احرام گفتند و صحابه

نیز تکبیر گفتند. پس حضرت قرائت کردند و آن جماعت خاموش شدند. پس آن حضرت به رکوع رفتند و ایشان نیز به رکوع رفتند و حضرت به سجود رفتند و صحابه به سجود رفتند و چون حضرت راست ایستادند، برای رکعت دوم طایفه‌ای که با حضرت بودند از جهت خود یک رکعت را کردند...» می‌گوید:

... و حق آن است که امام مخیر است در انتظار می‌خواهد عمل به حدیث اول می‌کند و سلام بر ایشان می‌دهد تا ایشان از جهت خود یک رکعت را به جای آورند و می‌خواهد صبر می‌کند تا طایفه دویم تمام کنند و سلام بر ایشان دهد، و دور نیست که عمل به این بهتر باشد از جهت ثواب جماعت از جهت امام و مأموم و شهرت بین اصحاب... (مجلسی، ۱۴۱۷ق: ۵/ ۸۰-۸۳؛ برای اطلاع از نمونه‌های دیگر، نک. همو، ۱۴۱۴ق: ۱/ ۲۴۶، ۲۶۵، ۲۷۰، ۳۲۹، ۴۴۵، ۴۵۹، ۶۵۷ و ۶۹۵).

تخیر بین روایت‌ها

یکی از روش‌های حل تعارض مستقر تخیر است و آن در صورتی است که متعارضین از هر جهت یکسان باشند و هیچ ترجیحی بر یکدیگر نداشته باشند (نک. مغنیه، ۱۹۸۰م: ۴۴۸ و ۴۴۹؛ مظفر، ۱۳۷۰ش: ۲/ ۲۲۸ و ۲۲۹). محمدتقی مجلسی در مواجهه با تعارض‌های مستقر، در مواردی به تخیر بین روایت‌ها حکم کرده است؛ برای نمونه، بعد از ذکر عبارت «ثم یستنجی من الغائط و یغسل حتی ینقی مائمه»: «سپس خود را می‌شوید از غایط و آن قدر می‌شوید تا پاک شود. نجاستی که در ظاهر دبر است»، می‌گوید:

... و این احتمالات از جهت رفع تناقض است در اخبار که ممکن است چنین مطلوب باشد و راویان فهمیده باشند و الا به اینها عمل نمودن مشکل است. پس تخیر اولی است. والله تعالی یعلم (مجلسی، ۱۴۱۴ق: ۱/ ۳۲۹ و ۳۳۰).

همو بعد از ذکر حدیث «و روی عبدالله بن سنان عن ابی عبدالله صلوات الله علیه قال تدعو فی الوتر علی العدو و ان شئت سمیتهم و تستغفر و ترفع یدیک فی الوتر حیال وجهک و ان شئت

فتح ثوبک»؛ «حضرت صلوات الله علیه - فرمودند که نفرین به دشمنان می توان کرد و اگر خواهی، نام می توانی برد ایشان را و استغفار از جهت خود و مؤمنان می باید کرد و در وقت قنوت اگر تقیه نباشد، دست ها را محاذی رو بدار، و اگر تقیه باشد، دست ها را در زیر بالاپوش بلند کن»، می گوید: «... و به حسب ظاهر منافات دارد با حدیث سابق که دست چپ را محاذی رو می دارد و محمول است بر تخییر؛ هر کدام را که خواهد، به جای آورد و هر دو خوب است» (همو، ۱۴۱۷ق: ۵/ ۱۸۵؛ برای اطلاع از نمونه های دیگر، نک. همو، ۱۴۱۴ق: ۱/ ۲۵۵، ۳۳۰ و ۴۶۱).

نتیجه گیری

۱. محمد تقی مجلسی در «شرح روایات» در لوامع صاحبقرانی بر سه محور کلی تأکید دارد: بررسی صحت متن روایت ها، شرح ظاهر روایت ها و جمع دلالتی میان روایت ها متعارض بدوی یا حل تعارض های مستقر روایی.

۲. روش محمد تقی مجلسی در شرح روایت ها این گونه است که نخست به احراز صحت متن روایت ها می پردازد؛ چون اگر صحت متن روایت احراز نشود، شرح و تفسیر آن بی فایده خواهد بود. او برای «احراز صحت متن روایت ها» از روش های توجه به نسخه های گوناگون، توجه به تقطیع روایت ها، توجه به تصحیف و تحریف، توجه به نقل به معنا و عرضه روایت ها بر قرآن بهره جسته است.

۳. مجلسی اول در «شرح ظاهر متن روایات» به بیان معانی لغوی و اصطلاحی کلمات و عبارات ها، به کارگیری قواعد عربیت در شرح و ترجمه روایت ها و گردآوری روایت های هم مضمون پرداخته است. روش او چنین است که ضمن ترجمه روایت ها، به بیان معانی لغوی و اصطلاحی کلمات و عبارات و بیان قواعد عربی موجود در روایت ها می پردازد؛ به طوری که اگر کسی از قواعد عربی ناآگاه باشد و آن ها را در ترجمه روایت ها به کار نگیرد، ممکن است به مراد اصلی معصوم نرسد. سپس روایت های هم مضمون را ذکر می کند؛ چنان که اگر فرازی از روایت با روایت های دیگر مشابه باشد، در ترجمه به بیان آن ها می پردازد، در غیر این صورت، روایت های هم مضمون را بعد از ذکر روایت مورد نظر بیان می دارد.

۴. محمدتقی مجلسی در مواجهه با «تعارض‌های بدوی» با کشف روابط مفهومی میان آن‌ها نشان داده است که اختلاف آن‌ها حقیقی نیست؛ بلکه به اقتضای زمان و مکان و بنا به اقتضای شرایط گوناگون، مختلف و متعارض جلوه کرده‌اند.

۵. محمدتقی مجلسی در مقام کشف روابط موجود میان تعارض‌های بدوی روایت‌ها و جمع دلالتی میان آن‌ها به بیان وجوه گوناگون، عام و خاص، مطلق و مقید، مجمل و مبین، نص و ظاهر، مفهوم و منطوق، حمل حقیقت بر مجاز، حمل امر بر استحباب، حمل نهی بر کراهت، حمل تفسیر روایت بر جواز، حمل تفسیر روایت بر حالت ضرورت، حمل تفسیر روایت بر کنایه، تأویل روایت، و حمل روایت بر تقیه پرداخته و عملاً این نوع تعارض‌ها را غیرواقعی نشان داده است.

۶. مجلسی اول‌همچنین در حل تعارض‌های مستقر روایی از دو راه حل بهره جسته است: ترجیح و تخییر و عملاً استفاده از راه حل «توقف» را به دلیل نبودن این نوع روایت‌ها در *من لا یحضره الفقیه* فرو گذاشته است.

منابع

- قرآن کریم.

- آخوند خراسانی (۱۴۰۹ق). *کفایة الاصول*. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام لاحیاء التراث.
- احسانی فر لنگرودی، محمد (۱۳۸۶ش / ۱۴۲۸ق). *اسباب اختلاف الحدیث*. چ ۲. قم: دارالحدیث.
- استرآبادی، محمدجعفر شریعتمدار (۱۳۷۸ش). «لب‌اللباب». *مجموعه میراث حدیث شیعه*. دفتر ۲. قم: مؤسسه دارالحدیث الثقافیة.
- بروجردی، سید آقا حسین (۱۴۱۷ق). *تقریرات فی اصول الفقه*. تقریر درس بروجردی به اشتهازدی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- تفضلی، آذر و مهین فضائلی جوان (۱۳۷۲ش). *فرهنگ بزرگان ایران و اسلام*. مشهد: آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

- تنکابنی، محمد بن اسماعیل (۱۳۸۰ش). **زندگی دانشمندان: قصص العلماء**. تلخیص، تحقیق و ویرایش محمدرضا حاج شریفی خوانساری. قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی حضور.
- تهامی، غلامرضا (۱۳۸۵ش). **فرهنگ اعلام تاریخ اسلام**. تهران. شرکت سهامی انتشار.
- جدیدی نژاد، محمدرضا (۱۳۸۰ش / ۱۴۲۲ق). **معجم مصطلحات الرجال و الدراییه**. اشراف: محمد کاظم رحمان ستایش. قم: دارالحديث.
- _____ (۱۳۸۲). «نگاهی به مبانی مجلسی اول در حدیث و رجال». **فصلنامه علوم حدیث**. س ۸. شماره ۲ (۲۸).
- حاج سیدجوادی، کمال (۱۳۸۰ش). **اثرآفرینان: زندگینامه نام‌آوران فرهنگی ایران (از آغاز تا سال ۱۳۰۰ هجری قمری)**. با همکاری عبدالحسین نوایی. تکمیل و انجام حسین محدثزاده و حبیب الله عباسی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- دلبری، علی (۱۳۸۶ش). **مبانی رفع تعارض اخبار از دیدگاه شیخ طوسی رحمه الله در استبصار**. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- دوانی، علی (۱۳۷۵ش). **مفاخر اسلام**. ج ۸. چ ۳. تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶ق / ۱۹۹۶م). **مفردات الفاظ القرآن**. تحقیق صفوان عدنان داوود. دمشق: دارالقلم و بیروت: الدار الشامیه.
- زرکلی، خیرالدین (۱۹۹۹م). **الاعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین**. چ ۴. بیروت: دارالعلم للملایین.
- شاکر، محمد کاظم (۱۳۷۶ش). **روشهای تأویل قرآن**. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- شهید ثانی، زین الدین علی بن احمد (۱۴۱۳ق). **الرعاية فی علم الدراییه**. تحقیق: عبدالحسین محمد علی البقال. چ ۲. قم: منشورات مکتبه آیه الله المرعشی.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۴۰۳ق / ۱۹۸۳م). **عدة الاصول**. تحقیق: محمدمهدی نجف. قم: مؤسسه آل‌البیت.

- عاملی، بهاء‌الدین محمد بن حسین (۱۳۹۸ق). *الوجیزة فی علم الدراية*. قم: منشورات مکتبه بصیرتی.
- فقهی‌زاده، عبدالهادی (۱۳۸۵ش). «مجلسی و تأویل روایات». *دوفصلنامه اسلام پژوهی*. ش ۲. بهار و تابستان.
- فقهی‌زاده، عبدالهادی و زهرا خرمی اجلائی (۱۳۸۸ ش (الف)). «تعارضات مستقر روایی در بحارالانوار». *دوفصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث*. سال ۶. دوره جدید. ش ۱۱.
- _____ ۱۳۸۸ش (ب). «علامه مجلسی و جمع روایات متعارض». *فصلنامه علوم حدیث*. س ۳. ش ۳ (۵۳).
- کاظمی خراسانی، محمدعلی (۱۴۰۴ق). *فوائد الاصول*. تحقیق آغا ضیاء‌الدین عراقی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- مامقانی، عبدالله (۱۴۱۱ق). *مقباس الهدایه فی علم الدراية*. قم: مؤسسه آل‌ال‌بیت (علیهم السلام) لاحیاء التراث.
- مجلسی، محمدتقی (۱۴۱۴ق). *لوامع صاحبقرانی المشتهر بشرح الفقیه*. ج ۱. چ ۲. انتشارات اسماعیلیان (دارالتفسیر).
- _____ (۱۴۱۶ق). *لوامع صاحبقرانی المشتهر بشرح الفقیه*. ج ۴. انتشارات اسماعیلیان (دارالتفسیر).
- _____ (۱۴۱۷ق). *لوامع صاحبقرانی المشتهر بشرح الفقیه*. ج ۵. انتشارات اسماعیلیان (دارالتفسیر).
- _____ (۱۴۱۹ق). *لوامع صاحبقرانی المشتهر بشرح الفقیه*. ج ۸. انتشارات اسماعیلیان (دارالتفسیر).
- محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۷ش). *مباحثی از اصول فقه*. سلسله درسهای از مصطفی محقق داماد. چ ۱۶. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مدرس تبریزی، علامه محمدعلی (۱۳۷۴ش). *ریحانة الادب*. چ ۴. تهران: کتابفروشی خیام.

- مدیرشانه‌چی، کاظم (۱۳۸۵ش). **درایة الحدیث**. چ ۵. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- مسعودی، عبدالهادی (زمستان ۱۳۸۳ش) «تلاشهای مجلسی اول در فهم متن». **فصلنامه علوم حدیث**. س ۹. ش ۴ (۳۴).
- _____ (۱۳۸۶ش). **روش فهم حدیث**. چ ۳. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). دانشکده علوم حدیث.
- مشکینی، علی (۱۳۸۶ش / ۱۴۲۸ق). **اصطلاحات الاصول و معظم ابحاثها**. چ ۱۰. قم: دفتر نشر الهادی.
- مظفر، محمدرضا (۱۳۷۰ش). **اصول الفقه**. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- معارف، مجید (۱۳۸۸ش). **شناخت حدیث (مبانی فهم متن - اصول نقد سند)**. چ ۲. تهران: نیا.
- معموری، علی (۱۳۸۷). «تقیه». **دائرة المعارف بزرگ اسلامی**. زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی. ج ۱۶. تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
- مغنیه، محمدجواد (۱۹۸۰م). **علم اصول الفقه فی ثوبه الجدید**. چ ۲. قم: مکتبه الزهراء.
- منتظری [بی تا]. **نهایة الاصول**. قم: القدس.
- مهدوی‌راد، محمدعلی و محمدهادی امین ناجی (۱۳۸۸). «بررسی احادیث تقیه از دیدگاه مجلسی اول». **دوفصلنامه حدیث پژوهی**. ش ۲. پاییز و زمستان.
- میرداماد، محمد بن محمدباقر حسینی (۱۴۰۵ق). **الرواشح السماویة**. قم: منشورات مکتبه آیت الله المرعشی.
- هاشمی، احمد (۱۴۲۰ق). **جواهر البلاغة**. زیر نظر محمد جلیل صدقی. قم: ذوی القربی.